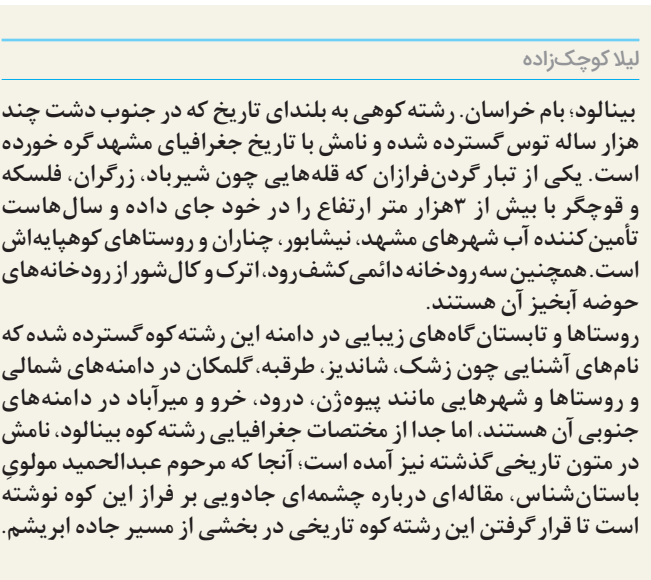


بینالود، سرباز خراسان

گذری بر تاریخ یک کوه قدیمی که هزاران سال است همچون نگهبانی قامت برافراشته و ایستاده است



لیلا کوچک‌زاده

بینالود، بام خراسان، رشته کوهی به بلندای تاریخ که در جنوب دشت چند هزار ساله توس گسترده شده و نامش با تاریخ جغرافیای مشهد گره خورده است. یکی از تبار گردن‌فرازان که قله‌هایی چون شیرباد، زرگران، فلسکه و قوچگر با بیش از ۲ هزار متر ارتفاع را در خود جای داده و سال‌هاست تأمین‌کننده آب شهرهای مشهد، نیشابور، چناران و روستاهای کوهپایه‌اش است. همچنین سه رودخانه دائمی کشف‌رود، اترک و کال‌شور از رودخانه‌های حوضه آبخیز آن هستند.

روستاها و تابستان‌گاه‌های زیبایی در دامنه این رشته کوه گسترده شده که نام‌های آشنایی چون زشک، شاندیز، طرقبه، گل‌مکان در دامنه‌های شمالی و روستاها و شهرهایی مانند پیوه‌ژن، درود، خرو و میرآباد در دامنه‌های جنوبی آن هستند، اما جدا از مختصات جغرافیایی رشته کوه بینالود، نامش در متون تاریخی گذشته نیز آمده است؛ آنجا که مرحوم عبدالحمید مولوی باستان‌شناس، مقاله‌ای درباره چشمه‌ای جادویی بر فراز این کوه نوشته است تا قرار گرفتن این رشته کوه تاریخی در بخشی از مسیر جاده ابریشم.

- کوه نیشابور در متون گذشته

رشته کوه بینالود که در ۲۶ کیلومتری شمال شرق نیشابور گسترده شده است و آن را به همین نام می‌شناسیم، در متون گذشته نام دیگری داشته است. چنان‌که در گزارش «مکتب شاهپور» که نزدیک به ۸۸ سال پیش نوشته شده، «کوه نیشابور» نامیده شده است. در این کتاب آمده، جلگه مشهد در جنوب کوه‌های هزار مسجد و شمال کوه‌های نیشابور (بینالود) قرار گرفته و از همان ابتدای تاریخ مورد توجه بوده است به قسمی که همیشه اقوام مختلف و مسافران زیادی از اطراف به آن روی آورده‌اند، اما نام بینالود را می‌توان در مسیر شاهراه بزرگ شرقی با راه خراسان که سال ۱۸۷۷ میلادی جاده ابریشم نامیده شد هم دید. در مقاله‌ای از رجبعلی لیاف خانیکی آورده شده است که جاده ابریشم یک محور اصلی به نام راه چاپاری بوده که چین را از طریق ایران به بین‌النهرین ارتباط می‌داده و شاخه‌های فرعی هم برای وصل کردن شهرها به همدیگر داشته است. یکی از این شاخه‌های فرعی‌راهی بوده در مسیر جاده ابریشم از دیزباد پایین، به نام راه شریف‌آباد که پس از عبور از دامنه‌های جنوب شرق رشته کوه بینالود به نوقان (مشهد کنونی) می‌رسیده و بعد از نوقان به سمت کشف‌رود می‌رفته است.

- دریاچه سبز جادویی خفته در بینالود

اما یکی از جاذبه‌های تاریخی بینالود وجود دریاچه‌ای سبز در یکی از بلندترین بخش‌های این رشته کوه است. جایی که تاریخ و طبیعت با هم تنیده شده و داستانی از مرگ رموز یزدگرد، پادشاه ساسانی، از این دریاچه به یادگار باقی مانده است. ماجرا از این قرار است که نزدیک به ۱۶۰۰ سال پیش، یزدگرد اول ساسانی مشهور به یزه‌گر، در آخرین سفر زندگی‌اش راهی شرق ایران می‌شود. طبق روایتی، مقصد شاهنشاه ساسانی چشمه‌سویتی همین چشمه سبزامروزی در دل کوه بینالود بوده است. گویا شاه، بیماری‌ای داشته که پزشکان درمان آن را در این سفر دانسته بودند گرچه همینجا با لگد اسبش کشته می‌شود. زرتشتیان هم این دریاچه را مقدس می‌دانسته‌اند و احتمال دیگر هم این است که آن زمان برای آب چشمه سبز خواص معدنی و درمانی قائل بوده‌اند. فردوسی هم در شاهنامه می‌شراید: «چو نزدیکی چشمه شو رسید/ برون آمد از مهد دریا بدید…» همچنین احتمال داده‌اند که روزگاری در کنار این تالاب، آتشکده‌ای بوده که ایرانیان باستان در آن عبادت می‌کرده‌اند. پس از ظهور دین مبین اسلام هم عارفان مسلمان در نزدیکی دریاچه سکنی گزیده‌اند، اما از پژوهشگر و تاریخ‌نگار

مشهدی، مرحوم عبدالحمید مولوی هم درباره این دریاچه، مقاله‌ای به‌جا مانده است که او هم بینالود را کوه نیشابور خوانده و نوشته است: «جای تأسف است که جز معدودی از اهالی خراسان نام چشمه سبز را نشنیده و آنجا را ندیده‌اند و لیکن در بیش از هزار سال ایوریحان بیرونی خصوصیات چشمه سبز را به‌نام «سبزرود»، در آثار الباقیه ذکر کرده و بر آن مطلع بوده است.» در مقاله مولوی در کنار توصیف چشمه سبز، می‌توان اطلاعاتی درباره جغرافیا و ویژگی‌های طبیعی رشته کوه بینالود هم دید که درخور توجه است. او نوشته، «اثر شهر نام دیگر نیشابور است و توس نام منطقه و دشت بین کوه هزارمسجد و کوه نیشابور (کوه‌های بینالود).» در واقع کوه نیشابور را جایی بالای کوهی در میان اَتر شهر و توس دانسته است. او برای رسیدن به چشمه سبز در میانه بینالود این‌طور نشانی داده

است که از کوه نیشابور به طرف دشت توس، نزدیک به چهارده رودخانه ییلاقی جریان دارد. یکی از دره‌های ییلاقی، منطقه گل‌مکان است در هشت فرسنگی غرب مشهد که آبادی و باغات در آن فراوان دیده می‌شود. اگر چهارفرسنگ از شمال به سمت جنوب از کنار رودخانه گل‌مکان بگذریم، در بلندی کوه نیشابور به چشمه سبز (سبزرود) می‌رسیم که منبع اصلی آب رودخانه گل‌مکان است. او نیز به این اشاره کرده که این چشمه در ارتفاع بسیار بلندی واقع شده و آب آن شیرین و گوار است. همین‌جا به این اشاره کرده که چگونه چشمه سبز پدید آمده است که می‌توان ویژگی‌های جغرافیایی کوه بینالود را هم از آن دریافت. می‌نویسد اطراف چشمه سبز را تپه‌های کم‌ارتفاعی احاطه کرده است که در تابستان هم این تپه‌ها خالی از برف نیست. آب برف‌های تپه‌های گرداگرد چشمه که به زمین



جاذرق



چشمه سبز



زشک



ابرده

چند خطی درباره تلاقی «امر زیبا» و «امر شکوهمند»

افسون کوه‌ها



تابلوی نقاشی «باغ‌آمل» در موزه نگارخانه ملی ایران، اثر کامیلا کورنیلو، فرانسوی‌تبار

تورق کتابی که به حضور اقوام مهاجر در مشهد پرداخته است

۵ قرن دوستی و تجارت در ارض اقدس

مجاور شدن درآمیخته و تاریخ این دیار را رقم زده‌اند. یکی از آثار که روایتگر تاریخ این دشت مهاجرت‌ها و یکجانشینی‌هاست علی‌نصف زاده با عنوان «گروه‌های مهاجر به مشهد از صفویه تاکنون» نوشته و آن را چون آیینیه مقابل دیدگان نشانده است.

نویسنده در این کتاب که آن را مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد منتشر کرده است، اقوام مهاجر به مشهد و حضور و تأثیر آن‌ها بر تعاملات اجتماعی،

فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را طی پنج قرن بررسی می‌کند. در این کتاب که هشت‌بخش دارد، نصف‌زاده به ترتیب یکی از اقوام مهاجر و روزگار و سرگذشتشان در ارض اقدس را نگاشته که نخستین فصل متعلق به روس‌ها، مهاجران قفقاز و آسیای میانه است. در ادامه خواننده می‌تواند در این پژوهش درباره حضور انگلیسی‌ها، امریکایی‌ها، مهاجران کشورهای هم‌جوار مانند افغانستان و همچنین مهاجران غیرخراسانی اطلاعات خوبی به‌دست آورد. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «حضور روس‌ها در مشهد تأثیر اقتصادی بسیار زیادی داشت. طبق نوشته «کرزن» هر مسافری که به بازارهای هریک از

شهرهای خراسان از استرآباد تا مشهد مراجعه کند با چشم ظاهر بین آثار نفوذ روس‌ها را در همه‌جا خواهد دید. برتری تجاری روس‌ها آن‌قدر مشهود بود که با گردش در بازار مشهد مشخص می‌شد و این امر نظر بسیاری از سیاحان را به خود جلب می‌کرد. یکی از سیاحان سال ۱۲۸۶ هجری قمری می‌نویسد که تجارت مشهد به‌صورت کامل در اختیار بازرگانان روسی است و تقریباً تمام کالاهای موردنیاز را از روسیه وارد می‌کنند جز مقداری قند و شکر که از بندر ماریس می‌آید و پارچه‌های پنبه‌ای، ظروف بلوری، چینی، مسی، چراغ و جای‌نیز جزو مهم‌ترین کالاهای وارداتی از روسیه بودند.»



مشهدیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت سی و چهارم)

تاریخ هفتصدساله هنر نقاشی در حرم رضوی



مرضیه ترابی

وقتی صحبت از تزئین مکان‌های مذهبی به میان می‌آید، اولین چیزی که به ذهن می‌رسد، استفاده از کاشی‌های رنگارنگ و البته بهره‌بردن از هنر گچ‌بری است که اهل فن، گاهی مقرنس یا «آهوپای» را هم چاشنی آن می‌کنند و در زمره اسباب تزئین چنین اماکنی برمی‌شمرند.
باین‌حال، همان‌طور که قبلاً و ضمن بررسی تاریخ کاشی‌های سنجری در حرم مطهر عرض کردم، تهیه کاشی و ساخت آن، در چند قرن قبل، به این سادگی‌ها نبود و البته، مراکز ساخت و پخت کاشی هم در همه‌جا وجود نداشت. درباره کاشی‌های سنجری گفتیم که آن‌ها را در عهد خوارزمشاهی، در کاشان ساختند و به مشهد آوردند. فرایند ساخت کاشی، علاوه بر مهارت و ابزار لازم، هزینه سنگینی داشت و همین مسئله، وقتی در کنار اولویت‌های مالی اماکن مذهبی قرار می‌گرفت، باعث می‌شد که متولیان در سفارش‌دادن چنین کالای نفیسی، تأمل و احتیاط داشته باشند. به همین دلیل، تا پیش از رونق گسترده صنعت تولید و پخت کاشی در مشهد عصر صفوی که در آینده به آن خواهیم پرداخت، متولیان برای تزئین حرم مطهر، از دیگر هنرهای ظریفه بهره می‌بردند. شاید تعجب کنید اگر بشنوید که هنر نقاشی، نقش مهمی در این میان داشت و بسیاری از نقاط حرم مطهر، مانند فضای داخلی گنبد طلا، تا پیش از دوره قاجار و انجام آینه‌کاری، با نقاشی‌های اسلیمی و طرح‌های جذاب رنگی که برگرفته از معماری اصیل ایرانی اسلامی بود، تزئین می‌شد و نقاشی، یکی از هنرهای برجسته در مجموعه اماکن متبرکه بود.

- آغاز هنر نقاشی در مشهد رضوی

درباره اینکه پای این هنر از چه زمانی به تزئینات حرم رضوی باز شد، اطلاعات دقیقی نداریم، اما با توجه به گزارش‌های تاریخی می‌توان تصور کرد که از دوره ایلخانی به این‌سو، توجه ویژه‌ای به این هنر، برای تزئین حرم رضوی شده است. شاید آغاز توسعه فضاهای مسقف حرم (رواق‌ها)، دلیلی برای این توجه باشد.
اینهم‌که در دوره غازان‌خان (درگذشته ۶۸۳ خورشیدی)، سنگ بنای رواقی که امروزه آن را بانام «دارالسیاده» می‌شناسیم، گذاشته شد. هرچند که تا پیش از آن، در کنار حرم رضوی مسجدهایی مانند «بالاسر» بنا شده بود، اما بعید به نظر می‌رسد که برای تزئین آن‌ها، از هنر نقاشی استفاده کرده باشند. درست‌تر آن است که بگوییم، گسترش استفاده از هنر نقاشی در تزئین حرم مطهر، در دوره تیموری و به دنبال رونق هنر و بر صدر نشستن هنرمندان در شهر هرات، پایتخت وقت ایران، آغاز شد. «مکتب هرات» هنر ایرانی را وارد مرحله جدیدی کرد و نگارگری و کیفیت نقاشی را به نحو بسیار مؤثری ارتقا داد. همان‌طور که می‌دانید، کمال‌الدین بهزاد (درگذشته ۹۱۴ خورشیدی)، شاخص‌ترین هنرمند نقاش در این مکتب بود. توسعه هنر نقاشی و افزایش تعداد هنرمندانی که حالا می‌توانستند در جایی بیرون از هرات به فعالیت‌های هنری بپردازند، در کنار ارادت برخی از بزرگان و شخصیت‌های حکومت تیموری، مانند گوهرشاد خاتون، به تأمین‌الامنه^(۱) و تلاش آن‌ها برای توسعه و تزئین اماکن متبرکه، راه را برای کاربری گسترده‌تر هنر نقاشی برای جلوه‌دادن به ابنیه این مکان مقدس، هموار کرد و در خردمند حسین باقی‌را، با وجود وزیری خردمند و هنردوست مانند امیرعلیشیر نوایی (درگذشته ۸۷۹ش و بانی صحن عتیق و نهر خیابان) بهره‌مندی از نقاشی در تزئین بناها، کاملاً رایج شد.

- بادی از آقاحسن نقاش

یکی از مشخص‌ترین فعالیت‌های نقاشی در حرم رضوی که خوشبختانه به دلیل اهتمام قاضی میراحمد منشی قمی و نگارش کتاب بسیار ارزشمند «گلستان هنر»، امروزه از آن آگاهی داریم، فعالیت‌های «آقاحسن نقاش» در دوران حکومت شاه تهماسب یکم صفوی است. ظاهراً آقاحسن نقاش از شاگردان کمال‌الدین بهزاد بوده، هنرمندی لایق و خوش‌قریحه که در هرات می‌زیست و از نقاشان بنام «مکتب هرات» بود. طبق گزارش منشی قمی، آقاحسن به سفارش محمدخان شرف‌الدین اوغلی تگلو، عهده‌دار نقاشی و تزئین نمای داخلی گنبد مطهر امام رضا^(ع) شد. این اقدام، تقریباً مقارن با زمانی است که شاه تهماسب یکم، دستور طلایی کردن گنبد حرم رضوی را صادر کرد (این گنبد، نخستین گنبد جهان اسلام بود که مطلقاً شد). آقاحسن نقاش ظاهراً شیعه مذهب بوده و به امام رضا^(ع) ارادت فراوان داشته است. منشی قمی گزارش کرده که آقاحسن، بعد از اتمام نقاشی، در حاشیه زیرین کار خود، این شعر را با خط خوش نوشته بود: «حسن به‌گرد درت گشته بر طریق طواف / تو کعبه‌وار همه حاجتش روا کردی». او می‌نویسد: «آقاحسن نقاش از هرات بود. در نقاشی بی‌بدل روزگار افتاده. اندرون روضه منوره مقدسه عرش منزلت رضیه رضویه، علی شُرفیه و ساکنینا آلف آلف صلوات و سلام و تحیّه را، بفرموده مرحوم محمدخان شرف‌الدین اوغلی تگلو نقاشی نموده بود.» آقاحسن برای خودش در هرات هم مقبره‌ای زیبا ساخت که در کنار قبر خواجه عبدا… انصاری قرار داشت و داخل آن مقبره را هم با دست خود تزئین و نقاشی کرده بود. باین‌حال، نقاشی، با همه زیبایی و ظرافت، به اندازه کاشی و دیگر تزئینات، دیرپا و ماندگار نبود و گاه‌به‌گاه، احتیاج به نبوت و اساسی پیدا می‌کرد. استفاده از شمع و «پیه‌سوز» در داخل رواق‌ها و روضه منوره، باعث تخریب و آسیب‌دیدن نقاشی‌ها می‌شد و همین مسئله، متولیان را به فکر استفاده از هنرهای دیگر برای پوشاندن و تزئین دیوارها و سقف‌ها انداخت و هنر نقاشی در امر تزئین حرم رضوی، به‌تدریج رنگ باخت؛ اما هرگز از بین نرفت. امروزه نمونه‌هایی از شاهکارهای نقاشی تزئینی در حرم رضوی و اماکن متبرکه را می‌توانیم در ایوان مقصوره مسجد گوهرشاد (فضایی که بر فراز محراب و در قالب مقرنس‌های بسیار زیبا قرار دارد) و نیز، برخی از تزئینات سقف رواق تازه‌تأسیس دارالحجه ببینیم که نشان می‌دهد این هنر دیرپا که از حدود هفتصد سال قبل در حرم مطهر، حضور پیوسته دارد، همچنان ابزاری برای اظهار ارادت هنرمندان به وجود مقدس امام علی‌بن موسی‌الرضا^(ع) است.

شهر

SHAHRAANEWS.IR



تاریخ و هویت